

کتاب عزرا

Ezra

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org

July 1, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,

Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

۷۵

معرفی

کتاب عزرا چنان ساده و گویاست که نیازی به معرفی ندارد. کتاب عزرا گویای یکی از مهم‌ترین واقعه در تاریخ اسرائیل است و آن عبارت است از برگشت قوم خدا از اسارت بابل. این کتاب حاوی تعلیمات خاصی برای خوانندگانش است. نویسنده تا آنجا که توانسته است داستان را به سادگی بیان کرده است و نتیجه‌گیری آن را بر عهده ما گذاشته است.

جرج راولینسون¹

I- جایگاه منحصر به فرد کتاب عزرا در کانون

از یک نظر کتاب تاریخی عزرا و نحمیا، در کتاب مقدس عبری یک کتاب بوده‌اند، ولی در کتاب مقدس جدید، به دو کتاب مجزا تقسیم شده‌اند، چونکه فصل دوم کتاب عزرا و فصل هفتم کتاب نحمیا دقیقاً یکسان می‌باشند، و چنین اتفاقی در یک کتاب واقع نمی‌شود.

کتاب عزرا، روحانی و یا تاریخی مذهبی است، و این نشان می‌دهد که یک کتاب که شامل اسناد فراوانی از منابع سکولار می‌باشد می‌تواند گزینه روح القدس و در قالب بخشی از کتب الهامی باشد.

از 280 آیه در کتاب عزرا، به طبقه‌بندی زیر در کتاب مقدس خواهیم رسید:

111 آیه: ثبت نام

109 آیه: داستانی

44 آیه: نامه‌ها

10 آیه: دعا

3 آیه: بیانیه

3 آیه: گلچین

280 آیه

II- نویسنده

هرچند که این کتاب تخلصی است، اما تدوین الهامی در زبان اول شخص مفرد (ر.ک 27:7 تا 15:9)، شجره‌نامه‌ها و اسناد احتمالاً کارهایی از ناحیه عزرا می‌باشند. اسناد رسمی و مستدل در زبان آرامی، زبان رسمی اقوام غیریهودی در دوران عزرا و نحمیا می‌باشند. در حدود یک‌چهارم کتاب عزرا به زبان آرامی است - الفباء زیبایی که ما آن را «عبری» می‌نامیم در واقع برگرفته شده از لهجه خاوه‌ری سامی و آرامی خود می‌باشد.

III- تاریخ

پاپیروس‌های الفانتاین که به همان گویش کتاب‌های عزرا و نحمیا می‌باشند نشان می‌دهند که جامعه یهودی در قرن پنجم پیش از میلاد در جزیره الفانتاین واقع در رود نیل مقابل بندر اسوان، زندگی می‌کردند. این پاپیروس‌ها علیرغم دیدگاه لیبرالی که معتقد به نگارش این کتاب‌ها در حدود سال 330 قبل از میلاد، یا عصر اسکندر کبیر می‌باشد، تأیید کننده دیدگاه سنتی مبتنی بر نگارش آنها در قرن پنجم پیش از میلاد می‌باشد. عقیده بر این است که عزرا کتاب خود را در طول وقایع پایانی فصل دهم (456 قبل از میلاد) و ورود نحمیا به اورشلیم (444 قبل از میلاد) نوشته است. طبقه‌بندی تاریخی زیر به فهم کتاب عزرا و نحمیا و استر کمک می‌کند.

گاه شماری کتاب عزرا، نحمیا و استر

(تاریخ‌ها تقریبی است)

538 ق.م فرمان کورش کبیر مبنی بر ساختن معبد

538 ق.م سفر زروبابل به اورشلیم

536 ق.م آغاز بنای معبد

535 ق.م توقف بنای معبد

520 ق.م رسالت حجی و زکریا

520 ق.م فرمان داریوش مبنی بر ازسرگرفتن بنای معبد

516 ق.م تکمیل بنای معبد

486 ق.م آغاز سلطنت اخشورش

- 8/479 ق.م تاجگذاری استر ملکه ایران
 464 ق.م آغاز سلطنت اردشیر
 458 ق.م سفر عزرا به اورشلیم
 444 ق.م ورود نحمیا به اورشلیم
 444 ق.م تکمیل ساختمان حصار اورشلیم
 420 ق.م سفر نحمیا به اورشلیم

IV- پیشینه و زمینه

با گشوده شدن کتاب عزرا امپراتوری جدید بابل منقرض و نبوت ارمیا از بازگشت یهودیان به سرزمینشان تحقق می‌یابد (ارمیا 14:29-10). در فصول 1 تا 6 اولین گروه تبعیدیان تحت نظر زروبابل به فلسطین باز می‌گردند. اولین کاری که تبعیدیان بازگشته انجام می‌دهند ساختن مذبح قربانی‌های سوختنی و سپس ساختنی معبد می‌باشد. بعداً با ضدیت‌های دشمنان خدا مواجه می‌شوند ولی با تشویق‌های حجی و زکریای نبی به کار ادامه می‌دهند.

در فاصله فصول 6 و 7 دوره‌ای شامل پنجاه و هشت سال قرار دارد. در طول این دوره داستان ملکه استر در تاریخ دینی و جنگ‌های مشهور ماراتون، ترموپیلا و سالامیس در تاریخ غیردینی واقع می‌شوند.

فصول 7 تا 10 بازگوکننده سفر عزرا به اورشلیم با مأموریتی از سوی اردشیر پادشاه ایران در حدود سال 458 پیش از میلاد می‌باشد. نیت شخصی عزرا مبنی بر اصلاح ساختارهای قوم در این فصول به تفصیل بیان شده‌اند.

گزارش

بازگشت تبعیدیان به اورشلیم به رهبری زروبابل (فصول 1 تا 6)

(الف) فرمان کورش کییر (1: 4-1)

(ب) تهیه مقدمات کار (1: 5-11)

(ج) ثبت نام کسانی که بازگشته‌اند (فصل دوم)

(د) ساختن مذبح و بنیاد هیکل (فصل سوم)

(ه) آغاز مخالفت‌ها با ساختن معبد (فصل چهارم)

(1) در زمان سلطنت کورش (4: 1-5 و 24)

- (2) در زمان سلطنت اخشورش (6:4)
- (3) در زمان سلطنت اردشیر (23_7:4)
- (و) حجّی و زکریا قوم را تشویق به ساختن معبد می‌کنند (2و1:5)
- (ز) مخالفت‌ها در طول سلطنت داریوش (17_3:5)
- (ج) فرمان داریوش مبنی بر ادامه ساختن معبد (فصل 6)
- II- بازگشت گروه دوم تبعیدیان به رهبری عزرا (فصول 7_10)
- الف) مأموریت عزرای کاهن به فرمان اردشیر (فصل 7)
- ب) ثبت نام کسانی که بازگشته بودند (14_1:8)
- ج) بازگشت بقیه لویان و خادمان معبد به اورشلیم (36_15:8)
- د) ازدواج قوم با بیگانگان و دعای اعتراف عزرا (فصل 9)
- ه) عهد یهودیان مبنی بر رها کردن زنان و کودکان بیگانه (فصل 10)

تفسیر

I- بازگشت تبعیدیان به اورشلیم به رهبری زروبابل (فصول 1 تا 6)

الف) فرمان کورش کبیر (4_1:1)

سه آیه اول کتاب نحمیا، دو آیه آخر کتاب دوم پادشاهان می‌باشد. خدا **کورش، پادشاه فارس** را بکار برد و توسط او **فرمانی** صادر کرد و بدان وسیله به یهودیان اجازه داد که به **یهودا** بازگردند و **معبد اورشلیم** را از نو بسازند. علاوه بر آن به همسایگان آنها نیز فرمان داد که سخاوتمندانه با یهودیان بازگشته از تبعید همکاری کنند. **کورش** سال‌ها قبل از تولدش توسط خدا نامگذاری و برای مقصد والایش، برگزیده شده بود (اشعیا 28:44 تا 13:45). کورش مصداق این واقعیت در امثال سلیمان 1:21 بود که می‌فرماید: «دل پادشاه مثل نهرهای آب در دست خداوند است، آن را به هر سو که بخواهد بر می‌گرداند.»

فرمان کورش کبیر به هفتاد سال اسارت یهودیان پایان

بخشید. این دوره هفتاد ساله را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود. از 605 قبل از میلاد، وقتی که نبوکد نصر به اورشلیم حمله کرد و اولین گروه از یهودیان را اسیر و تبعید کرد، تا 536 قبل از میلاد وقتی که زیربنای معبد نهاده شد، و یا سقوط اورشلیم در 586 قبل از میلاد تا تکمیل بنای معبد در سال 516 قبل از میلاد.

(ب) تهیه مقدمات کار (11:5-1)

کوروش پادشاه علاوه بر منابع مالی که همسایگان یهودیان به آنها داده بودند، **پنجهزار و چهارصد** قطعه ظروف طلا و نقره را که **نبوکد نصر آنها را از معبد اورشلیم** گرفته بود، به آنان پس داد، شیشبصر (آیه 8) شاید اشاره به نام فارسی زروبابل و یا شخص دیگری باشد. توجه داشته‌باشید به **بیست و نه کارد آیه نهم**. اگر خدا چنان دقتی در حفاظت از جزئیات دارد، چقدر بیشتر مردم خود را حفاظت می‌نماید.

(ج) ثبت نام کسانی که باز گشته‌اند (فصل دوم)

58:1-2) در آیات 1 تا 61 لیست کسانی را می‌بینیم که به رهبری **زروبابل** به یهودا باز گشته‌اند. بعضی از آنها برحسب نسب نامه ثبت‌نام شده‌اند (3-19) و بعضی براساس محل تولد (20-35). در آیات 36 تا 39 به طورخاص به **کاهنان**، و در آیات 40 تا 42 به **لاویان** و در آیات 43 تا 54 به **نتینیم** یا خادمان معبد، اشاره شده است. این سه گروه نقش مهمی در بازسازی معبد برعهده داشته‌اند.

63:59-2) برخی که مدعی بوده‌اند **کاهن** می‌باشند، ولی نتوانستند مدارکی دال بر نسبت خود با کاهنان ارائه دهند، بنابراین از خدمت و یا خوردن غذای کاهنان محروم شدند، تا اینکه از طریق مشورت با **اوریم و تمیم** یا «نور و کمال» مجاز گردیدند. **فرماندار** (ترشاتا در ترجمه Nkjv - حاشیه - آیه 63) یهودی در آن زمان زروبابل بود.

67-64:2) فهرست اسامی ارائه شده در این فصل، در کتاب نحیا فصل 7 نیز آمده‌اند. در عین‌حال که اختلافات جزئی در این دو فهرست وجود دارد، اما هر دو شامل **چهل و دو هزار و سیصد و شصت نفر**، علاوه بر **هفت هزار و سیصد و سی و هفت نفر**

خادمان می‌باشند که به **یهودا** باز گشته‌اند. عزرا به این تعداد 245 نوازنده و خواننده و نحویا 200 نفر نوازنده و خواننده افزوده‌اند. بنابراین مجموع کسانی که از تبعید باز گشته‌اند بالغ بر 50000 نفر و در واقع بخش کوچکی از تمام تبعیدشدگان بودند.

70_68:2) وقتی که یهودیان به اورشلیم رسیدند، بعضی از روسای آباء هدایائی از طلا و نقره برای ساختن خانه خدا و لباس برای کاهنان اختصاص دادند. سپس قوم در شهرهای خود مستقر شدند.

د) ساختن مذبح و بنیاد هیکل (فصل سوم)

7_1:3) در ماه هفتم که آغاز سال یهودی بود، یهودیان باز گشته در اورشلیم جمع شدند تا عید خیمه‌ها را برگزار کنند. آنها تحت رهبری یسوع و زروبابل، مذبحی ساختند و بر اساس رهنمود تورات موسی، قربانی‌های سوختنی بر آن گذرانیدند. آنها احساس می‌کردند که از طریق حرمت نهادن به یهوه، یهوه آنان را از دشمنانشان محافظت خواهد کرد. سپس همگی به تهیه مقدمات برای ساختن معبد، با استفاده از کمک‌های صور و صیدون پرداختند.

13_8:3) دقیقاً چهارده ماه پس از بازگشت از تبعید، ساختمان معبد آغاز شد. به محض اینکه بنیاد هیکل نهاده شد، کاهنان و لویان کار خود را شروع کردند و یهوه را ستایش نمودند. ولی بسیاری از آنانی که پیر بودند وقتی شکوه و عظمت معبد سلیمان را (کتاب حجی نبی 3:2) با این بنای ساده مقایسه کردند، گریستند. اما اندوه و اشک آنها با فریادهای شادی و شکرگزاری آمیخته شد، تا جائیکه صدای گریه و خنده از هم قابل تشخیص نبود و آواز ایشان از دور شنیده می‌شد.

ه) آغاز مخالفتها با ساختن معبد (فصل چهارم)

1) در زمان سلطنت کورش (4:1-5:24)

3_1:4) دشمنان یهودا و بنیامین، مذکور در آیه اول زادگان مهاجران از سایر کشورها بودند که وقتی آشور حکومت شمالی را به اسیری گرفت، به آنجا وارد شده بودند. این مهاجران با یهودیانی که در کشور خود باقی ماند

بودند ازدواج کردند و فرزندان حاصل از این ازدواج ها، سامریان نامیده شدند. آنها نزد زروبابل آمده و وانمود کردند که می‌خواهند در بازسازی معبد همکاری کنند. آنها همچنین یهوه را عبادت می‌نمودند، ولی یهوه برای آنها یکی از چندین خدایی بود که در آیین بتپرستی خود، او را می‌ستودند. بنابراین درخواست آنها مورد قبول رهبران اسرائیل قرار نگرفت.

4:4-5 و 24) سپس سامریان روش خود را عوض کردند. نخست کوشیدند که قوم یهود را تضعیف کنند و در گام دوم مشکلات فراوانی در سر راه ساختن معبد ایجاد نمودند. آنها همچنین مدبران را اجیر کردند تا بر علیه اسرائیل در بارگاه سخنانی کنند تا با روش ایجاد رعب و وحشت یهودیان را از کار ساختن معبد باز دارند. این ضدیت‌ها تا زمان داریوش ادامه یافت.

آیه 24 از نظر تاریخی بعد از آیه پنجم قرار دارد. بدین ترتیب دشمنان یهودا تا سال دوم سلطنت داریوش، ساختن معبد را به تعویق انداختند.

2) در زمان سلطنت اخشورش (6:4)

آیه ششم از شکایت نامه‌ای اسم می‌برد که در زمان سلطنت اخشورش (خشایار) نوشته شد که اتهاماتی بر یهودیان وارد کرده بود. آیات 7-23، به نامه‌های دیگری اشاره شده است که در دوران سلطنت اردشیر نوشته شده‌اند و یهودیان را به دلیل بازسازی شهر و دیوارهایش متهم به شورش کرده‌اند. بنابراین پادشاه فرمان توقف ساختمان معبد را صادر نمود.

3) در زمان سلطنت اردشیر (4:7-23)

ساختمان معبد در دوران سلطنت داریوش که قبل از اخشورش (آیه ششم) و اردشیر (آیه هفتم) سلطنت می‌کرد، تکمیل شده بود. بنابراین نامه‌های مذکور در آیات 6 تا 23 بعد از تکمیل ساختمان معبد نوشته شده بودند. این نامه‌ها در رابطه با ساختن دیوارها بودند نه معبد. ولی در اینجا خارج از نظم تاریخی به منظور افشاگری دست‌هایی که برای جلوگیری از بازسازی معبد توسط یهودیان بازگشته از تبعید، در کار بودند، آمده‌اند.

از آیات 6:4 تا 8:6 به جای زبان عبری از زبان آرامی استفاده شده است، چون زبان آرامی زبان فرامین رسمی ایران بود.

(و) حجّی و زکریا قوم را تشویق به ساختن معبد می‌کنند (2و1:5)

ما از کتاب‌های حجّی نبی 1:1 و زکریای نبی 1:1 یاد می‌گیریم که فصل پنجم کتاب عزرا مربوط به سال دوم پادشاهی داریوش می‌باشد (آیه اول و 24:4). این دو نبی به یهودیان اصرار کردند که بجای ساختن خانه‌های گران قیمت برای خودشان (حجی 4:1) به کار ساختن معبد ادامه دهند. **زروبابل و یشوع** دستور خداوند را اطاعت کرده و دستور دادند که بازسازی معبد بلافاصله شروع شود. توجه داشته باشید که این بار ادامه کار موکول به فرمان پادشاه نشد، بلکه روح القدس از طریق **انبیای خدا** فرمان به ادامه کار داد (زکریا 6:4).

(ز) مخالفتها در طول سلطنت داریوش (17_3:5)

5_3:5 دوباره مخالفتها شروع شد. **والی ایرانی** و همکارانش به اورشلیم آمدند و از یهودیان پرسیدند به چه اجازه‌ای ساختمان معبد را شروع کرده‌اند و چه کسانی دستور داده‌اند که ساختمان معبد شروع شود (آیات 9 و 10) 0 آنها هم اسامی رهبران یهودی را اعلام نمودند. این مقامات ایرانی بسیار منطقی‌تر از کسانی بودند که در فصل چهارم ذکر شده‌اند. آنها کار را متوقف نکردند، بلکه نامه‌ای را به داریوش فرستادند که تا از او کسب تکلیف کنند. نظر به اینکه یهودیان شروع به اطاعت از کلام خدا نموده بودند **چشم خدا** بر ایشان بود که کار را تمام کنند.

17_6:5 **تتنایی** و **شتربوزنای** در نامه‌شان به داریوش، نتیجه گفت‌وگوی خود با یهودیان و پاسخ آنها را به پادشاه اطلاع دادند. **رهبران** قبل از هرچیز به تجویز الهی متکی بودند. آنها **خادمان یک خدای حقیقی** بودند، ولی به خاطر گناهشان توسط بابلیان به اسارت برده شدند. اینک که یهوه آنها را به سرزمینشان بازگردانیده بود، ملزم بودند که معبد را بازسازی کنند. از بُعد انسانی، آنها فرمان کورش

را در اختیار داشتند که اجازه بازسازی معبد را به آنها داده بود. شخص پادشاه خودش به این برنامه سخاوتمندانه کمک کرده بود، و اینک والی از پادشاه درخواست نموده بود که تفحص کند تا ببیند چنین فرمانی توسط کورش صادر شده و آیا متن آن در خزانه پادشاه هست و سپس به آنها بگوید راجع به این مورد چه کاری باید انجام دهند.

ج) فرمان داریوش مبني بر ادامه ساختمان معبد (فصل 6)

5:1-6) پس از جستوجوي دقيق فرمان کورش در قصر احتما (يا اکباتان - Nkjv - حاشیه) واقع در پایتخت ایران پیدا شد (این فرمان بسیار مفصلتر از فرمان تلخیص شده در فصل اول می باشد). در این فرمان خصوصیات معبد همراه با دستور برگشت دادن ظروف طلا و نقره که نبودند از معبد برده بود، قید شده بود.

6:6-12) آنگاه داریوش به تنهایی و همکارانش فرمان داد که مزاحمتی برای یهودیان ایجاد نکنند تا آنها به کارشان ادامه دهند. آنها نه تنها کار را پیش انداختند بلکه از محل مالیات ها و خزانه شاهی مخارج لازم را به مردم پرداختند. تدارکات برای خدمت در معبد به درخواست کاهنان هرروزه تأمین می شد تا هدایا برای خداوند آسمان بگذرانند و برای پادشاه و خانواده اش دعا نمایند. پادشاه فرمان مجازات کسانی که در کار ساختمان معبد اختلال می کنند و در خرابی خانه خدا در آینده می کوشند، حتی خود پادشاه را صادر نمود.

6:13-15) فرمان پادشاه بلافاصله اطاعت شد و کار معبد به سرعت پیش رفت. با تشویق انبیای خدا و حمایت مالی خزانه پادشاه کار معبد چهار سال بعد تکمیل شد. اما 19 یا 20 سال بعد از نهادن بنیاد هیکل، اردشیر پادشاه قبل از آن وسایل معبد را تهیه نموده بود و نه ساختمان آن را.

6:16) اسرائیلیان و رهبران شان با شادی فراوان افتتاح معبد را جشن گرفتند.

دنت¹ در این مورد می گوید:

طبیعی بود که آنان در آن لحظه شادمانی کنند، چونکه خانه خدایشان تجلی تمام برکات عهده بود که در آن استوار بودند. در طول سالیان شکست‌ها، مشکلات، ناامیدی‌ها و اندوه‌ها اینک معبد آماده شده در پیش چشمانشان قرار گرفته بود. آنها به‌خاطر انجام این مهم از بابل بازگشته بودند و اگر در رفتنشان از یهودا گریستند، اینک در بازگشتشان به یهودا شادی کردند.

6:17-22) آنها شروع به گذرانیدن قربانی‌ها نمودند. اگر ما این قربانی‌ها را با قربانی‌های سلیمان که بالغ بر 22000 گاو و 120000 گوسفند به‌علاوه تعداد بی‌شماری گاو و گوسفند (دوم تواریخ 5:7 و 6:5) بود، مقایسه کنیم، متوجه کاهش چشم‌گیر قربانی‌ها می‌شویم. اما خوشبختانه خدا روی تعداد حساب نمی‌کند، بلکه به دل می‌نگرد. امروز در بسیاری از کلیساها، عبادت‌ها، دسته‌بندی‌ها، مدارس و حتی تمام کشورهای مسیحی، گرایش از فراوانی به کمی آنچنان‌که در فاصله زمانی سلیمان تا عزرا دیده می‌شود، مشهود است. دنت گفتاری دلگرم کننده دارد:

ایمان به هر حال موکول به امور نادیدنی است و چنین ایمانی توانست افکار این یهودیان را دعوت نماید که یهوه قوت و لطفی کمتر از آنچه که به سلیمان عرضه نمود، به آنها عرضه نمی‌دارد.

خانه خدا احتمالاً مجلدتر از زمان سلیمان نبود و یهودیان نیز تابعان ناتوان پادشاهان بیگانه بودند ولی اگر خدا برای آنان بود - آنچنان که بود - منابع لازم برای ایمان به فراوانی مانند همیشه در اختیار آنان قرار داشت. این حقیقت نمی‌تواند عمیقاً جای خود را در فکر ما باز کند که مسیح در ایام تنگی برای ما همان مسیح در ایام کامیابی است. قدرت چنین ایمانی است که ما را بر می‌انگیزاند و نه چیز دیگری و به ما قدرت و جسارت می‌بخشد تا علیرغم خطراتی که در راه کمین کرده‌اند، برآن بیاویزیم.

بعد از آن عید فصح و عید فطیر با شادی عظیم برگزار گردید، چونکه مردم به روشنی دست خدا را در لطفی که داریوش به آنها نموده بود، دیده بودند. داریوش در اینجا پادشاه آشور نامیده شده است. چونکه او بر امپراتوری کهن آشور فرمانروایی می‌کرد.

II- بازگشت گروه دوم تبعیدیان به رهبری عزرا (فصول 7-10)

الف) ماموریت عزرای کاهن به فرمان اردشیر (فصل هفتم)

5:1-7) فاصله‌ای در حدود 58 سال در بین آیات 6 و 7 وجود دارد (مراجعه کنید به شجره نامه عزرا، نجمیا و استر در مقدمه). در طول این مدت اخشورش به جای داریوش به تخت سلطنت نشسته بود. دوران سلطنت او وقایع کتاب استر را پوشش می‌دهد. بعد از اخشورش اردشیر مذکور در آیه اول به سلطنت رسید.

شجرنامه کوتاهی از عزرا در آیات 1-5 به منظور نشان دادن سابقه کهنانی اجدادش، آمده است. جی کمپبل مورگان چنین تفسیر نموده است:

پیام‌آوران اراده خدا یعنی کاتبان جای انبیا را با این تفاوت گرفته‌اند که به جای دریافت مکاشفه به بیان و تشریح مکاشفات قدیم پرداختند. عزرای کاتب را می‌توان بانی این نظم جدید و نوع جدید نامید. او در تشریح و نشان دادن و کاربرد شریعت، ماهر بود. ارزش چنین کاری در دهمین آیه این فصل آمده است: «چونکه عزرا دل خود را به طلب نمودن شریعت خداوند... و تعلیم دادن آن... داده بود.»

6:7-10) عزرا در ضمن شجره‌نامه متمایزش در **شریعت موسی کاتب ماهری بود**. قطعاً عزرا مردی اهل مطالعه کتاب مقدس و نمونه روشنی از سه آیه اول مزمور اول بود. او بدین دلیل که روی **شریعت خداوند** شب و روز تفکر می‌نمود، در آنچه که می‌خواست برای خداوند انجام دهد، کامیاب گردید. یهوه بار دیگر دل پادشاهی کافر را هدایت نمود، تا با او مشورت کند و فرمان‌هایی که در نتیجه این مشورت صادر شد، امکان برگشت گروه دوم تبعیدیان را تحت رهبری عزرا به **اورشلیم** ممکن ساخت.

1:7-26) **اردشیر** پادشاه ایران در نامه‌ای که متن آن در این آیات آمده است قدرت فراوانی به عزرا تفویض نمود. به موجب این نامه هر شخص اسرائیلی که مایل بود می‌توانست با او به **اورشلیم** برود، جائیکه او می‌توانست همه چیز را بر وفق **شریعت خدا** تفحص نماید. **پادشاه و مشیرانش** هدایای

سخاوت‌مندان‌ه‌ای به عزرا دادند. این هدایا همراه با ظروف معبد که هنوز در **بابل** بودند، به عزرا داده شد. این هدایا قرار بود که در تأمین خدمات معبد به کار گرفته شوند و مازاد آن به صلاحدید عزرا هزینه شود. و اگر برای مخارج کفایت نکرد، بقیه اقلام شامل **نقره، گندم، شراب، روغن و نمک** به هر اندازه که لازم باشد، از **خزانه پادشاه** تأمین گردد. چهار قلم آخر این اجناس به خصوص اقلام مهمی در سیستم قربانی یهودیان محسوب می‌شدند. کسانی که در معبد خدمت می‌کردند از پرداخت مالیات معاف شدند. و سرانجام اینکه فرمان پادشاه این قدرت را به عزرا تفویض کرده بود تا **قاضیان و داوران** برای یهودیانی که در غرب رود **افراته** زندگی می‌کردند، منصوب نماید. **داوران** مأمور شدند که شریعت خداوند را **تعلیم داده** و اجرا نمایند.

27:7 و 28) عزرا در دعای شکرگزاری، یهوه را برای هدایت **دل پادشاه** برای **زینت** دادن خانه خدا، **متبارک** خواند و فروتنانه از او برای قدرتی که خدا به او داده است تا چنان کار عظیمی را انجام دهد، تشکر نمود. خداوند عزرا را **تقویت** نمود تا **رؤسای اسرائیل** را جمع کرده و با آنان به اورشلیم بازگردد.

(ب) ثبت نام کسانی که بازگشته بودند (14:1-8)

14:1-8) اولین بخش این آیات شامل افراد قبایلی است که با عزرا از **بابل** به اورشلیم برگشته بودند. چندین نفر از این خانواده‌ها سالها پیش تحت رهبری زروبا بل به اورشلیم برگشته بودند (فصل دوم). تقریباً 1500 مرد در مهاجرت دوم به اورشلیم وارد شدند.

(ج) بازگشت بقیه لاویان و خادمان معبد به اورشلیم (36-15:8)

20-15:8) وقتی که آنها کنار **نهری** در **اهوا** توقف کردند (موقعیت این شهر، مشخص نیست)، عزرا متوجه شد که کسی از بنی لاویان در آنجا نیست. بنابراین به یازده نفر از رهبران فرمان داد به **کاسقیا** جایی که می‌دانستند که بعضی از لاویان زندگی می‌کردند، بروند تا **خادمان** معبد به آنان بپیوندند.

سی و هشت لای و دویست و بیست نفر از نتینیم (خادمان) موافقت خود را با بازگشت به اورشلیم اعلام نمودند. (21:8-23) قبل از آنکه یهودیان سفر 900 مایلی خود را شروع کنند، در کنار **نهر اهوا** اردو زدند و در آنجا عزرا فرمان داد که قوم **روزه** بگیرند. چونکه قبلاً عزرا به نیکویی و قدرت خدا نزد پادشاه شهادت داده بود، اینک با تقاضای کمک از پادشاه مبنی بر فرستادن نیروی محافظ، شهادت قبلی خود را انکار می‌کرد. بنابراین بجای تقاضای کمک از پادشاه روزه گرفته و به خدائی که در خدمت نمودن به کسانی که متکی به او بودند، خوشحال می‌شد، توکل نمودند و خدا آنها را **مستجاب** فرمود.

(4:8-34) پولها و ظروفی که به عزرا تحویل گردید در حضور **دوازده نفر از رؤسای کهنه** و لویانت **وزن** گردیدند. چونکه این اقلام مقدس بودند (جدا شده برای امور مقدس)، می‌بایست توسط کسانی نگهداری می‌شدند که پاک و مقدس باشند. بعد از 3/5 ماه مسافرت، همگی بدون هیچ حادثه‌ای به **اورشلیم** رسیدند. به محض رسیدن به اورشلیم **نقره‌ها** و **طلاها** و **ظروف** را دوباره وزن کردند و آنها را به کسانی که متصدی امور معبد بودند تحویل دادند.

(35:8 و 36) اولین کاری که تبعیدیان انجام دادند گذراندن قربانی‌های **سوختنی** و **گناه** برای تمام اسرائیل در مذبج یهوّه بود. سپس فرمان پادشاه را به ماموران دولت در ناحیه غربی رود افراته (فرات) ابلاغ نمودند و آنها نیز همکاری لازم را با عبادت‌کنندگان به عمل آورند.

د) ازدواج قوم با بیگانگان و دعای اعتراف عزرا (فصل 9)

(1:9 و 2) بعضی از **سروران** به عزرا خبر دادند که پیش از این که به اورشلیم بیاید، **کاهنان** و **قوم** با کافران ازدواج کرده‌اند. این عمل یکی از گناهانی بود که اسرائیل پیش از آن به خاطر ارتکاب آن تنبیه شده بودند. شریعت کاملاً مورد را روشن کرده بود (خروج 16:34؛ تثنیه 7:3). مردم خدا می‌بایست پاک باشند. خدا از مردم خود خواسته بود که خود را از دنیا و هرگونه شرارتی جدا نمایند.

(3:9 و 4) عزرا وقتی که این خبر را شنید **متحیر** شد و تا **وقت** **هدیه شام** در غم و اندوهی سخت فرو رفت. او با لباس **دریده**

و موي آشفته در سکوت نشست و کساني که خداترس بودند نشسته و با او ماتم گرفتند.

9:5-15) وقتی که خون قرباني **هدیه شام** بخاطر **جرم هاي قوم** در حضور يهوه ريخته شد، عزرا به **زانو در آمد** و زبان به اعتراف گشود و گناه قوم را به خود نسبت داد. او از اينکه بقيه قوم آنچنان پاسخ شيرانه اي را به فيضي که آنها را از داوري هاي گذشته ر هائي داده بود و **مفري در مکان مقدس خود** (آيه هشتم)، به آنان داده بود، داده بودند، بسيار شرمنده شد. عبارت «مفر» اشاره به امنيت هر کس و هرچيزي است که متوکل به خداست. عده اي از اساتيد، منجمله آيرون سايد براي باورند که اين آيات در نهايت اشاره به مسيح مي باشد:

اشاره به «ميخ» («مفر» در Nkjv) بدون شك تائیدی بر نبوت اشعيا مي باشد که مي فرمايد: «جاي محکم مثل ميخ» که بر رويش جلال يهوه آويخته شده است که به تمام معنا مسيح مي باشد (اشعيا 22:21-25).

انبياء قبلاً در مورد ازدواج مختلط سخن گفته بودند، بنابراین قوم ديگر مخصوصاً با توجه به لطفی که خداوند نسبت به آنها نموده بود، عذري نداشتند جز آنکه بگويند: «**اينک ما به حضور تو در تقصيرهاي خويش حاضریم.**»

ه) عهد يهوديان مبني بر رها کردن زنان و کودکان بيگانه (فصل 10)

10:1-5) دعاي اعتراف عزرا، مردم را وا داشت که به تلخي گريه کنند. سپس شكنيا به عنوان سخنگوي آنان برخاست و به گناهان خويش اعتراف نمود، اما به عزرا يادآوري نمود که اگر اعتراف آنها توام با ترك يوغ نامناسب باشد، جاي **اميدي** هست. او پيشنهاد کرد که عزرا درستن **عهدي مبني بر دور کردن زنان و اولادان بيگانه** از خود، آنها را هدايت کند. **کاهنان، لاويان و تمامي اسرائيل** اين پيشنهاد را پذيرفته بر اين منوال عهد بسته و قسم يادکردند.

10:6-8) سپس تمامي تبعيديان به **اورشليم** فرا خوانده شدند تا در يك مراسم اعتراف شرکت کرده و توبه نمايند و قرار براي شد که هر کس ظرف **سه روز** به اورشليم نيايد

اموالش ضبط و خودش تبعید شود.

11:9-10) در روز سوم، در پاسخ به فرمان عزرا همه مردان یهودا و بنیامین با عجله از شهرهای اطراف به اورشلیم آمدند. حتی هوای بارانی نامساعد مانع جمع شدن آنان نشد، چونکه موضوع آنقدر خطرناک و خطیر بود که لازم می‌آمد به هر بهایی در اورشلیم حاضر شوند. سپس عزرا برخاسته و با جمع صحبت کرد و به گناهی که مرتکب شده بودند اشاره کرد.

17:12-10) تمامی جمعیت سریعاً اعلام کردند که از شریعت خداوند تمرد کرده‌اند. اما به خاطر باران شدید و تعداد فراوان افرادی که مرتکب چنین گناهی بوده‌اند، پیشنهاد کردند این مورد شهر به شهر بررسی شود. چهار نفر کوشیدند با این طرح مخالفت کنند ولی موفق نشدند. داوران مقرر شدند و در کمتر از دو هفته شروع به تحقیقات نمودند و طی مدت سه ماه بررسی‌ها تکمیل گردید.

44:18-10) اسامی کسانی که با بیگانگان ازدواج کرده بودند در آیات 18-43 آمده است: نخست کاهنان (18-22) سپس لویان (23-24) و در آخر بقیه اسرائیلیان (25-43). آیه 44 می‌گوید: **جمیع اینها زنان غریب گرفته بودند و بعضی از ایشان زنانی داشتند که از آنها پسران تولید نموده بودند.** هرچند که گفته نشده ولی به نظر می‌رسد که قوانین کافی برای حمایت از این زنان و کودکان وضع شده بوده است. ولی به هر حال اندوه حاصله از این جدائی خانواده‌ها در قبال سنگینی اندوه از هم‌گسیختگی انسجام قومی که مسیحای موعود قرار بود از آن قوم برخیزد، قابل هضم‌تر بود. امروز هم تن دادن به یوغ ناموافق نهی شده است (دوم قرن‌تیان 18:14-6) و چنین ازدوج‌هایی نباید در میان فرزندان خدا دیده شود. اما آیات 12 و 13 و فصل 7 رساله اول به قرن‌تیان دستورالعمل برای کسانی است که خواه‌ناخواه درگیر ازدواج با بی‌ایمانان شده‌اند. در این حالت ایمانداران دیگر با فیض خدا مجاز نمی‌باشند همسران و فرزندان بی‌ایمان را از خود برانند و احسان با بی‌ایمانان به عنوان يك امتیاز خارجی برای آنان محسوب می‌شود.

کتاب عزرا آموزشی از نحوه بازسازی و احیاء می‌باشد.

وقتي که انسان احکام خدا را ميخواند و حقايق آن را در زندگي خود دخالت ميدهد، وقتي که دعاي وساطت براي مقدسين به حضور خدا مي رسد و وقتي که به گناهان خود اقرار ميکنيم و از گناهان شناخته شده خود فاصله ميگيريم، آنگاه کليسا داراي چنان قدرتي خواهد شد که خواهد توانست کارهاي بزرگي براي خداوند انجام دهد.

کتاب نحمیا

معرفی

بیشتر از نصف این کتاب حاوی گزارشات شخصی است که با «حواشی» و توضیحات صریح مشخص شده است که این کتاب را تبدیل به یکی از دوست‌داشتنی‌ترین رسالات کتاب مقدس از نوع خود نموده است. بیشتر داستان‌های عزرا نیز از زبان اول شخص مفرد نوشته شده است. (عزرا 15:8 تا 15:9)، اما عزرا آرام‌تر از نحمیای انعطاف‌پذیر و کاری‌مب‌باشد. و آنچنان که نحمیا به عمق صفحات شیرجه رفته است، عمل نکره است.

I) جایگاه منحصر به فرد کتاب نحمیا در کانون

اگر شما دارای هر نوع برنامه ساختمانی هستید، و اگر در شراکت خود در برنامه دیگران مشکل دارید، کتاب نحمیا را بخوانید، بیاموزید، تعلیم دهید و موعظه کنید. ارزش‌های رهبری مستلزم انجام امور غیرممکن است که به طور اعجاب‌انگیزی در این رهبر عبری قرن پنجم پیش از میلاد، نشان داده شده است. ویت کامب¹ می‌نویسد:

هیچ کتابی در عهد عتیق حاوی چنین توشه‌ای از یک ستایش مؤثر و شوق برای کار خداوند نمی‌باشد. اشتیاق نحمیا برای اجرای حقیقت کلام خدا به هر بهایی، نمونه خوبی از رهبری است که مورد نیاز مردم امروز و این لحظه ماست.

II) نویسنده

نحمیا که معنی نام او به شایستگی «مشاور یهوه»

می‌باشد، خاطرات خود را در بیان اول شخص مفرد نوشته است و همچنین به بیان مدارکی که در اختیار داشته است، پرداخته است. پاپیروس‌های الفانتایل حقیقت تاریخی این کتاب را گواهی کرده است و به یوحانان کاهن اعظم (ر.ک. نحمیا 22:12 و 23) و پسران سنبلط، دشمن بزرگ نحمیا اشاره کرده است.

تمام این موارد تاییدکننده دیدگاه سنتی نگارش این رساله توسط نحمیا پسر حکلیا و برادر حنانی (1:1 و 2) می‌باشند. ما از سوابق نحمیا اطلاع چندانی نداریم، ولی احتمالاً در ایران متولد شده است. رهبری ارزشمند و مدبرانه و مترقی بیان شده در این کتاب، آنگونه رهبری‌ای است که مستلزم موقعیت نحمیا به عنوان ساقی پادشاه بوده است.

(III) تاریخ

نحمیا کتاب خود را احتمالاً بعد از وقایع مندرج در این کتاب و در حدود سال 430 پیش از میلاد در دوران حاکمیت اردشیر اول (464-424 پیش از میلاد) نوشته است. ژوزفوس مورخ می‌گوید هنگامی که اسکندر کبیر به فلسطین آمد یدوع کاهن اعظم بود. نظر به اینکه در کتاب نحمیا 22:12 به یدوع اشاره رفته است، عده‌ای به این مورد استناد نموده و تاریخ نگارش این کتاب را بعد از دوران نحمیا می‌دانند. ممکن است که یدوع زمانی که نحمیا از او نام برده است، بسیار جوان (چونکه او نیز در زمره زنجیره کاهنان بود) و در دوران اسکندر در حدود نه سال داشته است. و یا شاید دو نفر کاهن اعظم با این نام وجود داشته‌اند. امکان سوم حاکی از این است که ژوزفوس که همیشه در این محدوده تاریخی مرتکب خطا شده است، در اینجا نیز مرتکب اشتباه شده باشد!

(IV) پیشینه و زمینه

نحمیا سومین رهبر بزرگ در استقرار مجدد یهود بود. زروبابل اولین گروه یهودیان را در سال 538—537 پیش از میلاد به اورشلیم رهبری (عزرا فصل دوم) و بر ساختن معبد

نظارت نمود. تقریباً هشت سال بعد عزرائی کاتب با گروه دوم یهودیان تبعیدی به شهر مقدس وارد شد و در طول خدمتش برای احکام خداوند، بانی اصلاحات عظیمی گردید. ولی در زمان او همه چیز در اورشلیم رو به انحطاط رفته بود. سیزده سال بعد از سفر عزرا، نحمیا توسط خدا هدایت شد تا نسبت به اوضاع نابسامان اورشلیم، چاره‌ای بیاندیشد. او پس از کسب اجازه برای اصلاح وضعیت، بانی نوعی رهبری ارزشمند گردید که اسرائیلیان نومیدانه به آن نیازمند بودند. او ارتباط خود را با خداوند عمق بخشید (توجه داشته باشید به دفعاتی که به زندگی دعایی او اشار رفته است) و همین ارتباط عمیقش با خدا بود که او را در مقابل طوفان ضدیت‌ها که از ابتدای مأموریتش، بر او ضربت می‌زد، مقاوم نمود. چه خوب گفته‌اند: «سه نوع از انسان‌ها در جهان می‌باشند: کسانی که نمی‌دانند چه چیزی اتفاق می‌افتد، کسانی که مراقب اتفاقات هستند و کسانی که تاریخ‌ساز می‌باشند.» نحمیا مردی بود که واقعه ساخت. در حالیکه کتاب عزرا به معبد و امور عبادتی می‌پردازد، کتاب نحمیا به وقایع روزانه پرداخته است. کتاب نحمیا خدا را وارد زندگی روزانه هرکسی می‌نماید.

گزارش

I- اولین گزارش نحمیا از اورشلیم: بازسازی اورشلیم (فصل 1 تا 12)

- الف - تمرکز روی اوضاع اورشلیم (فصل 1)
- ب) کسب مجوز برای بازسازی اورشلیم (2:1-8)
- ج) بازسازی دیوار اورشلیم (2:9 تا 6:19)
- 1) بازدید محرمانه و مخالفت عمومی (2:9-20)
- 2) کارگران و وظایف آنان (فصل 3)
- 3) موانع خارجی و احتیاط خاص (فصل 4)
- 4) مشکلات درونی و اصلاحات اجتماعی (فصول 5 و 6)
- د) تشکیل گارد محافظ برای اورشلیم (7:1-4)
- ه) سرشماری جمعیت اورشلیم (7:5-73)
- و) تجدید حیات دینی اورشلیم (فصول 8-10)
- ز) توزیع جمعیت در مرزهای اورشلیم (فصل 11)

ح) طبقه‌بندی کاهنان و لاویان اورشلیم (16_1:12)
 ط) تقدیس حصار اورشلیم (47_27:12)
 II- دیدار دوم نحمیا از اورشلیم و آخرین اصلاحات (فصل 13)

الف) اخراج طوبیا از معبد (9_1:13)
 ب) استقرار مجدد ده یک (عشریه) برای لاویان (14_10:13)
 ج) ممنوعیت اعمال غیرمشروع در سبت (22_15:13)
 د) ممنوعیت ازدواج با بیگانگان (31_22:13)

تفسیر

I- اولین دیدار نحمیا از اورشلیم: بازسازی اورشلیم
 (فصول 1 تا 12)

الف) تمرکز روی اوضاع اورشلیم (فصل اول)

1:1-3) فصل اول کتاب نحمیا بدون مقدمه‌پردازی شروع می‌شود. در این فصل فقط به دو مورد در رابطه با نحمیا اشاره شده است. نام پدرش حَکَلِیا و خودش در منصب بسیار مهم ساقی اردشیر اول بوده است. واکنش او نسبت به اخبار اورشلیم، نشانه اینست که او مردی روحانی بوده است. تفسیر جی الک موتیر¹، از آیات فوق چنین است:

در یک مرحله غیرمشخص از تاریخ بر اثر رسالت عزرا آنچه‌ان شور و شوقی در مورد بازسازی دیوارهای اورشلیم در مردم ایجاد شده بود که تقریباً تبدیل به یک جنبش سیاسی یا ملی‌گرایی شده بود. بعضی از دشمنان مردم خدا این موضوع را به اردشیر گزارش دادند و او فرمان داد که بازسازی دیوارهای اورشلیم متوقف شود. دشمنان خدا روی این فرمان سرمایه‌گذاری کرده و با فرمان پادشاه به اورشلیم رفتند تا از بازسازی دیوارها جلوگیری کنند، و آنچه را که هم که ساخته شده بود، ویران کردند. به نظر می‌رسد که اخبار همین واقعه بوده است که به گوش نحمیا رسیده است.

1:4-11) نحمیا نسبت به یهودا احساس مسئولیت خاصی داشت. حتی گرچه خودش سختی‌های آنجا را تجربه نکرده بود ولی با آنها همدردی می‌کرد و خود را از آسایش و رفاه بارگاه

پادشاه محروم کرده و به روزه، ماتم و دعا پرداخت. او به **گناهان** خود اعتراف کرد و از خداوند تقاضا کرد که احکام خود را **به یاد آورد** و در جمع نمودن مجدد مردم خود، آنچنانکه در متفرق نمودن آنها انصاف نمود، وفا نماید. و همچنین از خداوند تقاضا کرد تا **به حضور** پادشاه او را **کامیاب** فرماید، چونکه طرح شجاعانه کمک به برادرانش در فکر او نقش بسته بود. او **ایامی چند** به **سوی خدای آسمانها** دعا کرد و تقاضای خود را مطرح نمود.

غالباً از نحمیا به عنوان نمونه يك انسان موثر یاد می‌شود. نخست اینکه او طرحی در فکر داشت که می‌بایست اجرا می‌شد. او بعد از تجزیه و تحلیل مشکلات موجود تصمیم گرفت به طرز درستی وارد عمل شود. سپس دیگران را برانگیخت تا در رویای او با او مشارکت کرده و در اجرای این طرح فعالانه به او بپیوندند. سپس او را مشاهده می‌کنیم که به تعیین وظایف پرداخته و به کارهای ساختمان دیوار نظارت و تا پایان برنامه، پیشرفت کار را تحت نظر دارد، تا کار به طور رضایتمندانه‌ای تکمیل می‌شود.

(ب) کسب مجوز برای بازسازی اورشلیم (2:1-8)

2:1-3) يك روز نحمیا سه یا چهار ماه قبل از اینکه بطور غیرمنظره‌ای پاداش ایمان خود را دریافت کند، در وقتی که **شراب به پادشاه** می‌داد، پادشاه متوجه چهره **ملول** او شد و علت ملالت دیش را پرسید. سوال پادشاه نحمیا را هراسان کرد، چونکه او مجاز نبود با چهره عبوس به حضور پادشاه بیاید (کتاب استر 2:4).

تفسیر جرج ویلیامز از این آیات چنین است:

پادشاهان کشورهای شرقی همواره از مسموم شدن بیم داشتند، بنابراین هرگونه آشفتگی در رفتار ساقی مخصوصشان، سوظن آنها را برمی‌انگیخت.

ولی منظور نحمیا آزردن پادشاه نبود، بلکه علت اندوه او ویرانی اورشلیم، جایگاه اجدادش بود. 2:4 و 5) توکل توام با دعای نحمیا به خدا، بیهوده نبود، چون نه تنها پادشاه درخواستش را اجابت کرد، بلکه او را به فرمانداری یهودا (5:14) منتصب نمود. فرمان

اردشیر کلام خدا به دانیال نبی را تحقق بخشید (دانیال 25:9)، آنچنانکه فرمان کورش کبیر به نبوت ارمیا تحقق بخشید (ارمیا 10:29 و عزرا فصل اول).

8_6:2) نحمیا سوال پادشاه را مبني براینکه سفرش چقدر به طول می‌انجامد، پاسخ گفت و سپس از ایران خارج و حداقل مدت دوازده سال (14:5) در اورشلیم ماند. نحمیا در تمامی این مراحل اعلام نمود که دست مهربان خدا بر روی اوست.

ج) بازسازی حصار اورشلیم (2:9 تا 6:19)

1) بازدید محرمانه و مخالفت عمومی (2:9-20)

16_9:2) اردشیر پادشاه نحمیا را با یک گارد محافظ مسلح و همراه با یک نامه رسمی خطاب به ساتراپ‌های ماورالنهر مبني بر همکاری نمودن آنان با نحمیا، روانه نمود. کمی بعد از ورود نحمیا به اورشلیم، والی جدید شهر در تاریکی شب و به جهت اینکه تا حد مقدور توجه کسی را جلب نکند، به بررسی مرکز حکومتش پرداخت و نقشه‌اش را مخفی نگه داشت. او می‌دانست که تعمیر دیوارها برای بقای شهر یک امر ضروری است. ویرانه‌ها به قدری گسترده بودند که برای عبور اسب و راهی نبود.

20_17:2) سپس سروران قوم را جمع نمود و به آنها گفت که چه کارهایی در پیش است که باید انجام دهند و با گفتن اینکه چگونه تا کنون دست خدا با او بوده است و همچنین با اشاره به سخنان پادشاه آنها را تشویق نمود. یهودیان به هیجان آمده و آماده کار شدند. اما سنبلط و طوبیا و چشم آنها را مسخره کرده و تلاش کردند با متهم نمودن آنها به فتنه‌انگیزی بر علیه پادشاه، از برنامه‌بازسازی جلوگیری کنند. ولی نحمیا هراسان نشد چونکه خدای آسمان‌ها قول موفقیت به او داده بود. سپس مردم با هم متحد شدند، چونکه لازمه کسب برکت از خدا، یکدلی است (مزمور 133:1-3).

2) کارگران و وظایف آنان (فصل 3)

کاهنان اولین گروهی بودند که وظیفه خود را با تعمیر دروازه گوسفند آغاز نمودند. این دروازه در زاویه شمال شرقی شهر قرار داشت و نظر به اینکه گوسفندهایی که

متعلق به معبد بودند، از آنجا آورده می‌شدند، دروازه گوسفند نامیده می‌شد. اگر نقشه شهر اورشلیم را در نظر بگیرید اسامی دروازه‌های گرداگرد اورشلیم در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت بیان شده‌اند:

دروازه گوسفند (آیه 13)؛ **دروازه ماهی** (آیات 3 تا 5)؛ **دروازه کهنه** (یا دروازه گوشه) (آیات 6—12)؛ **دروازه وادی** (آیات 1 و 2)؛ **دروازه خاکروب** (آیه 14)؛ **دروازه چشمه** (آیات 15—25)؛ **دروازه آب** (آیه 26)؛ **دروازه اسبان** (آیه 28)؛ **دروازه شرقی** (آیه 29) و **دروازه مفقاد** (دروازه بازرسی — ترجمه NASB آیه 31). در آیه 32 به تعمیر اساسی دروازه **گوسفند** اشاره شده است. در این کتاب به دو دروازه دیگر اشاره شده است: دروازه افرایم (8:16) و دروازه شجن (دروازه محافظتی ترجمه Nasb) (12:39). در اورشلیم 12 دروازه وجود داشت، آنچنانکه اورشلیم تازه آسمانی نیز دوازده دروازه خواهد داشت (کتاب مکاشفه 12:21). اهمیت موضوع در اینجا است که خدا گزارش دقیقی از کسانی که او را خدمت نموده‌اند، ارائه داده است؛ و شاهد این مسئله نام بردن از کسانی است که حصار و دروازه‌های اورشلیم را تعمیر کردند.

بیت جباران (آیه 16)، احتمالاً در اصل ستاد فرماندهی مردان شجاع داود بوده است.

مردان، زنان، هنرمندان، کارگران، سروران، افراد عادی، همه و همه دوش به دوش هم مشغول کار شدند. تنها يك مورد عدم اتحاد دیده می‌شد: **بزرگان** تقوع، در کار ساختن دیوارها شرکت نکردند (آیه 5). بعضی‌ها که وظیفه مخصوص خود را تمام می‌کردند، انجام بخش دیگری از کار دیوار را **بر عهده می‌گرفتند** (ر.ک آیات 4 و 21 و 5 و 27). خدا امروز مسئولیت‌های متفاوتی به ایمان‌داران می‌دهد. او ما را با عطایای مختلف و توانایی‌های شایسته دعوت‌مان، مجهز نموده است و به خوبی می‌داند که چه کسی مسئولیت نمی‌پذیرد و چه کسی مسئولیت مضاعف می‌پذیرد: «کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش عمل هرکس را خواهد آزمود که چگونه است» (رساله اول قرن‌تیان 13:3).

(3) موانع خارجی و احتیاط‌های خاص (فصل 4)

6:1-4) هنگامی که سنبلط و طوبیا کارهای ساختمانی یهودیان را مسخره می‌کردند، واکنش نحمیا به آنان دعا و اضافه‌کاری بود. در حالیکه زبان تلخ و نفرین‌آلود به کار رفته در آیات 4 و 5 از نظر شریعت پذیرفته شده است، ولی برای مسیحیان در عصر فیض شایسته نیست (رومیان 9:12-21). بالاخره بنای حصار به **نصف بلندی‌اش** رسید.

7:14) نه تنها فشارهای خارجی **اعراب و عمونیان** و **اشدودیان**، بلکه عظمت کار، یهودیان را تقریباً از پا درآورده بود. توده عظیم سنگ‌ها قوت آنها را تضعیف کرده بود (آیه 10). وقتی که یهودیان خارج از اورشلیم به آنها خطر حمله قریبالوقوعی را اطلاع دادند، نحمیا **قوم را در جاهای پست در عقب حصار** مستقر نمود و کارگران را مسلح کرد و با گفتن اینکه «خداي عظیم مهیب را به یاد آورید... و جنگ نمائید» آنها را تشویق به پایداری نمود. 15:23-4) دشمنان یهودیان چون از این امر آگاه شدند دست از نقشه خود مبنی بر حمله مستقیم به یهودیان کشیدند و از آن روز به بعد **نصف یهودیان به کار مشغول شدند و نصف دیگر** محافظت آنان را بر عهده گرفتند. حتی **عمله‌ها** و بناها هم مسلح شدند. نحمیا همیشه شیپوری با خود داشت تا در موقع حمله دشمنان کسانی را که در طول دیوار مشغول به کار بودند، یکجا جمع نماید. کسانی که از خارج از اورشلیم آمدند مامور شدند **شب را در اورشلیم** بمانند تا در صورتیکه لازم آمد، در دسترس باشند. استراتژی آنان، دعا، مراقبه و کار بود. مردم در جسارت و پایداری برای رهبر **راسخ‌العزمشان** با یکدیگر رقابت می‌کردند. نحمیا و بستگانش و **خادمانش** و محافظان ایرانی‌ش که همراهش به اورشلیم آمده بودند، آسودن را بر خود حرام و شبزنده‌داری نمودند و حتی اسلحه خود را با خود به بستر می‌بردند تا شهر مورد حمله دشمنان قرار نگیرد.

(4) مشکلات درونی و اصلاحات اجتماعی (فصول 5 و 6)

5:1-7) در نیمه‌های کار بازسازی حصار، یک مشکل زشت داخلی به وجود آمد. غذا به تدریج نایاب و گران شده بود.

تورم موجود همراه با مالیات‌های سنگین اعمال شده بر یهودیان توسط پادشاه، بسیاری از آنها را فقیر ساخته بود. آنها مجبور شده بودند که از برادران ثروتمند خود پول قرض کنند و مایملک خود را نزد آنها به گرو بگذارند. حتی عده‌ای مجبور شده بودند که **پسران و دختران** را برای بردگی بفروشند، و چون سرزمین آنان به تملک دیگران درآمده بود، چیزی در اختیار نداشتند که بچه‌های خود را خریده و از بردگی نجات دهند. وقتی آنها جریان بیچارگی خود را به نحما گفتند، او ثروتمندان شهر را جمع کرده و آنها را **عتاب** نمود.

10:5-8) در حالیکه نحما و دیگران یهودیان را از بند اسارت و بندگی همسایگان کافر آزاد ساخته بودند، شایسته نبود که آنها **برادران یهودی** خود را به عنوان برده بفروشند. آیا چنین کاری نافی بقای سالمشان در رابطه با خدا نبود؟ چگونه آنها می‌توانستند با نقض شریعت مقدس خدا از طریق **رباخواری**، قوم را به انحراف بکشانند (آیات 9 و 10 خروج 25:22)؟ حتی نحما به عنوان رهبر آنان با لغو گرفتن بهره از قرض‌ها، برای آنها الگویی نشده بود؟

11:5 و 12) بعد از اینکه نحما ثروتمندان را مجبور به برگشت دادن دارایی‌های مردم و صدی یک از **نقره، غله، عصیر انگور و روغن**، که به عنوان گروگان از مردم گرفته بودند، نمود، قول دادند که از آن به بعد فرض‌های مردم را ببخشند. **کاهنان** احضار شدند و تعهد آنان را با **قسم** مستحکم نمودند.

13:5) سپس نحما به آنان اخطار نمود که چنانچه از عهد خود برگردند مانند غباری که از جامه تکاند می‌شود جدا می‌شوند، دستشان از خانه و دارایی‌شان کوتاه و بینوا خواهند شد. جماعت با یک **«آمین»** رسا بلند شده و جلسه را ترک کردند و به دنبال انجام کارهایی که قول داده بودند رفتند.

14:5-19) این فصل با گزارش کوتاهی از دوران دوازده ساله تصدی‌گری نحما به عنوان **والی**، پایان می‌یابد. او بدون اینکه از کیسه دیگران گذران کند، متکی به خودش بود. او از مقام خود در جهت تحصیل مال و مکننت و زمین و اندوختن

مال براي آينده اش، سوء استفاده نکرد و تمام اوقات او اختصاص به ساختن اورشليمي امن براي **برادرانش** داشت، نه به رفاه شخصي خودش. او بر سر سفره خودبيگانگان را پذيرايي مي کرد. او همه اين کارها را انجام داد، چونکه از خدا مي ترسيد، و اگر خدا جانفشاني هاي او را ارج مي نهاد، براي او کافي بود.

4:6-1) دشمن که در بازداشتن يهوديان موفق نشده بود، تصميم گرفت نحما را نابود کند. **سنبلط و چشم عربی** کوشيدند تا نحما را از کار خود بازداشته و او را به **بيابان اون** دعوت کنند. نحما **چهاربار** دعوت آنان را رد کرد، چون مي دانست **قصد ضرر** رساندن به او را دارند. چنان **کار مهم و عظيمي** نمي بايست متوقف مي شد.

5:6-9) ولي **سنبلط** اين بار به عنوان يك متحد نحما وارد کار شد و در **نامه اي** که به او نوشت، از راه خيرخواهي! او را متهم کرد که قصد دارد بر عليه پادشاه ايران شوریده و **پادشاه يهودا** شود، بنابراین وانمود کرد که مي خواهد او را کمک کند تا از عواقب اين اقدام جلوگیری کند و پيشنهاده کرد موضوع را با يکديگر در ميان بنهند. ولي نحما درخواست ملاقات او را رد کرد چون مي دانست سنبلط نيت خوبي نسبت به او در دل ندارد. وانگهي تهمت وارده ناروا بود چون وفادري نحما اين را ثابت کرده بود.

10:6-14) مخفي نبود که نحما خود را به خدا اختصاص داده و از خدا مي ترسيد. بنابراین دشمنان، انبيا دروغين را **اجير** کردند تا او را به گناه وسوسه نمايند و موجبات ناخوشايندي خدا را از او فراهم سازند.

يك نفر يهودي به نام **شمعيا** که توسط دشمن اجير شده بود، خبر يك توطئه را عليه نحما اعلام نمود و پيشنهاده کرد که با هم به **معبد** بروند تا جان سالم به در ببرد. نحما متوجه شد که او يك نبي کاذب است، چون کلام خدا تنها ورود کاهنان را به معبد مجاز کرده بود. پس انديشيد بهتر است زندگي خود را از دست بدهد تا اينکه نسبت به شريعت عصيان کند. بدین ترتيب نقشة سوم سنبلط نقش بر آب شد.

آيات 9 و 14 نمونه اي است براي دعاکنندگان مخلص که تبلور زندگي نحما مي باشند (ر.ك 2:4؛ 4:4؛ 9:4؛ 19:5). نحما فروتني

نمود و در ایام گرفتاری و اوج مشکلات به سوی خدا برگشت. ماتیو هنری چنین تفسیر می‌کند

نحمیا در اوج شکایت از دشمنان خود که قصد ترسانیدن و تضعیف روحیه و قدرت او را داشتند، دست خود را به آسمان برافراشت و در دعای کوتاه خود گفت: ای خدای من دستان مرا قوی بگردان. چنین دعایی یک پشتوانه عظیم و آرامشی برای کسانی محسوب می‌شود که در اوج تنگی‌ها و مشکلات به سوی خدای نیکویی خود روی می‌آورند و با ایمان دعا می‌کنند، باشد که در فیض او آنگاه که دشمنانشان برآیند که دلشان را از ترس پرکنند و دستانشان را ضعیف نمایند، ترس ایشان رفع و دستانشان قوی گردد. وقتی که ما در کار مسیحی خود و جنگ ایمانی و هر خدمات خاص دیگری، دچار مشکلات می‌شویم، این دعایی عالی برای ما محسوب می‌شود که بگوئیم «خدایا من وظیفه خاصی دارم که باید انجام دهم و همچنین با چنین مشکلاتی دست به گریبانم. حال ای خدای من دستان مرا قوی بگردان.»

6:15-19) علی‌رغم مخالفت‌های مداوم، ساختمان حصار در مدت پنجاه و دو روز تکمیل گردید و این کاری برجسته بود. نشانه‌های برکت الهی روحیه دشمنان یهودا را تضعیف کرد. در حالیکه بازسازی حصار رو به اتمام بود، نحمیا درگیر مشکل دیگری شد. بسیاری از بزرگان یهودا با طوبیای بدجنس ارتباط سببی داشتند و از این نظر با او همداستان بودند (طوبیا والی عمونیان بود-2:10). بزرگان از یک سو سخنان نحمیا را به طوبیا می‌رسانیدند و از سوی دیگر طوبیا را نزد نحمیا به خاطر کار هائی که انجام داده بود، می‌ستودند.

ما در فصل 13 این کتاب دوباره به طوبیا خواهیم رسید. هرچند که کار حصار شهر فقط در پنجاه و دو روز پایان یافت، اما نحمیا مسئولیت‌های فراوان دیگری داشت که می‌بایست در مدت دوازده ساله حکومت خود بر یهودا انجام دهد.

(د) تشکیل گارد محافظ برای اورشلیم (7:1-4)

7:1-2) وقتی که ساختمان و دیوارها و دروازه‌ها تمام شد و دربانان، مغزیان و لاویان به مناصب خود گماشته شدند، نحمیا اداره شهر را به برادرانش حنانی و حننیا سپرد.

این دو نفر افراد نیکویی بودند و کاملاً با وظیفه‌ای که برعهده داشتند مناسبت داشتند. حننیا حرمت زیادی برای خدا قائل بود و از این نظر با نحمیا یکدل بود.

3:7 و 4) دستورهای ایمنی صادر شد. **دروازه‌ها** می‌بایست در طول روز **بازباشند و پاسبانان** می‌بایست در اطراف شهر و هر یک در مقابل **خانه‌خویش** مستقر شوند. سرانجام نحمیا دیوارهای شهر را مانند آنچه که قبلاً بودند بازسازی نمود، اما مساحت شهر نسبت به جمعیت اندکش بسیار زیاد بود.

ه) سرشماری جمعیت اورشلیم (73-5:7)

5:7 و 6) نحمیا **نسب‌نامه** کسانی را که بار اول همراه زروبابل به اورشلیم و **یهودا** برگشته بودند، پیدا کرد و شروع به سرشماری مردم شهر نمود.

65:7-7) اسامی مندرج در آیات 7 تا 65 تقریباً مشابه آنچه هست که در فصل دوم کتاب عزرا آمده است. اما تفاوت‌های موجود در بین این دو نافی این تئوری است که کتاب‌های عزرا و نحمیا در اصل یکی بوده‌اند، حتی اگر سنت یهودی آن دو کتاب را یکی بدانند.

66:7-69) این آیات حاوی تکرار رئوس مطالب در رابطه با ورود **تمامی جماعت سوای غلامان... و مغزیان** و حیوانات مورد استفاده برای حمل و نقل، می‌باشند.

70:7-72) این آیات مشتمل بر اسامی هدیه‌دهندگان و سهم آنها در ساختن شهر می‌باشند. آیات 70 تا 72 کاملاً با عزرا 68:2 و 69 متفاوت می‌باشند. ممکن است اقلام داده شده اشاره به دوجریان مختلف باشد که مجموع آنها در کتاب عزرا آمده است. نقشه حاکم شهر برای اورشلیم تا فصل 15 این کتاب تکمیل نمی‌شود.

73:7) این فصل با اسکان یافتن **بنی‌اسرائیل** در شهرهای خودشان، به پایان می‌رسد.

و) تجدید حیات دینی در اورشلیم (فصول 8-10)

8:1-8) این فصل مهم از کتاب نحمیا بیانگر احیای روحانی در میان مردم خدا از طریق قرائت کتاب مقدس در انظار عمومی می‌باشد. توجه داشته‌باشید که در این آیات نحمیا با

ضمیر سوم شخص مخاطب قرار می‌گیرد (9 تا 31:12 ادامه دارد). عزرا شخصیت اصلی فصول بعد این کتاب است. **در روز اول ماه هفتم** تمام **جماعت** برای شرکت در محفل مقدس یا عید کرناها، به منظور نشان دادن جمع شدن دیگر بار بنی اسرائیل از میان سایر امت‌ها با یکدیگر، گرد هم آمدند. عزرا ایستاده بر سکوی مخصوص در کنار سیزده نفر از لویان ساعتها بخش‌هایی از شریعت موسی (تورات) را برای جماعت قرائت کرد.

جماعت وقتی که لویان مذکور در آیه هفتم، آیات را برایشان تفسیر می‌کردند، حرمت عمیقی نسبت به کلام خدا از خودشان نشان می‌دادند (آیه 8). نظر به اینکه پس از اسارت قوم زبان آرامی جای زبان عبری را گرفته بود، لازم بود که به تشریح کلمات زیادی در کتاب مقدس عبری پرداخته شود.

و اینک قرن‌ها بعد در یک فرهنگ و زبان کاملاً متفاوت، واعظان و معلمان کتاب مقدس باید هرچه بیشتر به تشریح کلام خدا برای دیگران بپردازند. دکتر دونالد کامپبل براهمیت این رسالت تأکید کرده است:

عزرا و یاری‌کنندگان سر سلسله واعظان و مفسرانی می‌باشند که کتاب مقدس را تفسیر می‌کنند.

این روش از موعظه در طی قرون متمادی توسط خداوند متبارک شده است و تبدیل به یک ابزار موثر برای رشد روحانی مسیحیان گردیده است. موعظه موضوعی و متنی ممکن است اکثراً الهامی و کمک‌کننده باشد، ولی منافع روحانی آن قابل مقایسه با منافع روحانی شنوندگان موعظه رسالتی شخصی مانند عزرا نیست.

متبارکان در واقع ایمان‌دارانی هستند که امتیاز درک موعظه‌های تفسیری کتاب مقدس را دارند.

(12_9:8) اشک‌های مردم نشان‌دهنده تأثیر پیام عزرا می‌باشد (آیه 9). آنها حق داشتند کلام خدا را جدی بگیرند ولی لزومی نداشت که ماتم بگیرند و نوحه بخوانند. میهمانی نه برای گریستن بلکه برای شادی برپا شده بود. در اعیاد اسرائیلی تنها یک عید مربوط به گریستن و نوحه خواندن بود و آن هم روز کفاره نام داشت. بقیه اعیاد همیشه توأم با شادی و جشن بودند. ثمره روح می‌بایست در این اعیاد

دیده می‌شد - محبت در شراکت با بینوایان؛ شادی، در خوردن و نوشیدن در پیشگاه خداوند؛ آرامش، در تسکین ترس‌هایشان - اندوه آنها تبدیل به شادی می‌شد، و **سرور خداوند**، تبدیل به قوت آنها شده بود.

15_13:8) روز بعد وقت خاصی برای تحصیل کتاب مقدس برای رهبران، **کاهنان و لویان** اختصاص داده شد. و در اثر این آموزش‌ها تشکیلات مربوط به عید خیمه‌ها را که موعد اجرای آن، ماه بعد بود، یاد گرفتند.

18_16:8) این روز تعطیل طلایه‌ای بود از روزگاری که بنی‌اسرائیل در امنیت ارض موعود زیست خواهند کرد. آنها مقدمات عید را فراهم کردند، چون از **ایام یوشع** تا کنون این اولین بار بود که این عید توسط باقی مانده قوم، برگزار می‌شد (یک مراسم برگزاری عید خیمه‌ها به طور ناقص توسط اولین گروه تبعیدیان که به رهبری زروبابل به اورشلیم برگشته، اجرا شده بود- عزرا 4:3). **سایبان‌ها** در روی پشت‌بام‌ها، حیاط‌ها و خیابان‌ها نصب شدند. وقتی که احکام خدا همه روزه پیش دل‌های گرسنه و تشنه گشوده می‌شود، شادی‌ها فزونی می‌یابد. جشن از پانزدهم تا بیست و دوم ماه ادامه یافت.

3_1:9) بعد از عید خیمه‌ها مردم برای برگزاری روز بزرگ و ملی اعتراف **جمع شدند**. قوم بنی‌اسرائیل از دیگر غربا جدا شده و با فروتنی تمام نزد خدا رفتند و همه قوم **روزه گرفتند** و ماتم زده به مدت سه ساعت کتاب تورات را خواندند و سپس برای سه ساعت دیگر به گناهان خود **اعتراف** نموده و **خدا را عبادت** نمودند. اقرار به گناه را هی است برای بازسازی و احیای روحانی.

38_4:9) لویان مذکور در آیات 4 و 5 مردم را در دعای بزرگ اعتراف (آیات 6-37) و **عهد**، رهبری نمودند.

برخی فکر می‌کنند که عزرا دعا را هدایت می‌کرد، هرچند که نامش مخصوصاً ذکر نشده است. این دعا یکی از طولانی‌ترین دعاها در کتاب مقدس است و ریشه در تاریخ مقدس عبری دارد.

زمینه اصلی و مهم این دعا، وفای به عهد خداوند علی‌رغم خود سربنی‌اسرائیل می‌باشد. این دعا را می‌توان بدین

ترتیب خلاصه نمود: خلقت (آیه 6)؛ دعوت از ابراهیم و عهد بستن با او (آیات 7 و 8)؛ خروج از مصر (آیات 9—12)؛ دادن شریعت در کوه سینا (آیات 13 و 14)؛ تدارک معجزه آسای خدا در طول آوارگی قوم در بیابان (آیه 15)؛ عصیان مکرر اسرائیل در بیابان در مقابل محبت تزلزل ناپذیر خداوند (آیات 16—21)؛ فتح کنعان (آیات 22—25)؛ آغاز داوری (آیات 26—28)؛ عدم توجه به اخطارها و اسارت قوم (آیات 29—31)؛ تقاضای برای آمرزش و رهایی از عواقب اسارت (آیات 32—37) و تمایل قوم برای بستن عهد با خدا (آیه 38).

این یک دعای کتاب مقدسی است و وقایع از دیدگاه خداوند، دیده می‌شوند. در سراسر این دعا وفای به عهد خداوند، مشاهده می‌شود و محبت و فیض خدا به عنوان تنها زیربنایی که قوم می‌تواند بر آن استوار باشند شناخته می‌شود. آیه سی و هشتم از بسیاری جهات مهمترین بخش این دعا است. یهودیان فهمیده بودند که مشکل از سوی خودشان است نه از سوی خداوند و بر آن شدند که کاری انجام دهند (برای جزئیات عهد به فصل 10 مراجعه کنید). دعا و اعتراف به گناه درحالی‌که به نوبه خود مهم می‌باشند ولی جای اطاعت را نمی‌گیرند.

10:1—27 این آیات مشتمل بر نام کسانی است که عهد را به نمایندگی از قوم امضا کردند (9:38). نام نحمیا در صدر این لیست قرار دارد (آیه اول) و بعد از او کاهنان (2—8) لایوان (9—13) و سپس سروران قوم (14—27).

10:28—29 این دو آیه مقدمه عهد می‌باشند، و حاکی از این می‌باشند که تمام قوم متعهد شدند اوامر یهوه و احکام و فرایض یهوه خدایشان را نگاه دارند.

10:30—38 یهودیان به طور خاص خود را متعهد نمودند که با بیگانگان ازدواج نکنند (آیه 30) و روز سبت و سال سبت را نگاه دارند (آیه 31)؛ سهم سالانه خود را برای خدمات معبد پردازند (آیات 32 و 33)؛ برای مذبح یهوه، همه ساله هیزم تهیه کنند (آیه 34) و کفاره لازم را برای نخستزاده‌های انسان و حیوانات و نوبر محصولات برای حمایت مالی از کاهنان و لایوان به معبد بیاورند (یعنی سنت ده

یک یا عشریه را احیا نمایند. - آیات 35_39).
 زندگی مذهبی آنان متمرکز بر این عهد بود. به جز
 عهدهای مندرج در آیات 30 و 31 (ازدواج با بیگانگان و نگاه
 داشتن سبت)، بقیه موارد عهد انحصاراً در خدمت معبد و
 خدمات معبد قرار گرفت.
 39:10) جمله «پس خانه خدای خود را ترک نخواهیم کرد»،
 بیانگر نگرانی‌های خاص قوم یهود قبل از تبعید می‌باشد.
 توجه خاص آن نسل تظاهرات بیرونی ایمانی بود که منجر به
 سیستم فریسیایی فاسدی گردید که آنچنان با عیسی مسیح
 خداوند به مخالفت برخاستند، چونکه تاکید عیسی بر امور
 مهم شریعت مانند اطاعت و محبت و غیره بود که اگر با
 همان خلوص اولیه‌اش عملی می‌شد قطعاً موجب خشنودی یهوه
 می‌گردید.

(ز) توزیع جمعیت در مرزهای اورشلیم (فصل 11)

11:1 و 2) فصل 11 کتاب نحمیا مربوط به آخرین آیه فصل
 هفتم می‌باشد.

نحمیا نگران جمعیت کم اورشلیم بود. برای حفاظت از شهر
 در صورت حمله دیگران لازم بود جمعیت بیشتری در آن شهر
 اسکان داده شوند. ولی بیشتر یهودیان از آمدن به اورشلیم
 می‌ترسیدند. سرانجام سران قوم متوسل به **قرعه‌کشی** شدند تا
 از هر ده نفر ساکنان شهرها **یک نفر** را به اورشلیم
 بیاورند، و عده‌ای هم داوطلبانه به اورشلیم آمدند.

36_3:11) چنانکه قبلاً در فصل هفتم دیدیم، ثبت نان شروع
 شد و اسامی خانواده‌هایی که در اورشلیم ساکن شدند در
 آیات 3 تا 24 آمده‌اند. در اورشلیم تعداد **چهارصد و شصت و**
هشت مرد از **یهودا** که هرکدام رئیس خاندان خود بودند
 (آیات 4_6). از بنیامیان نهمصد و بیست و هشت خانوار (آیات
 7 و 8) با ریاست **یوئیل...** و **یهودا** (آیه 9). و سه دسته از
 کاهنان، مندرج در آیات 10_14 به رهبری زبديئیل و لاویان
 در شهر مقدس به تعداد یکصد و هفتاد و دو نفر (آنان
 دروازه‌بانان بودند - آیات 15_19) و خادمان معبد تحت
 رهبری **صیحا و جشفا** که در بخشی از اورشلیم نزدیک به معبد
 زندگی می‌کردند (آیه 21) و مردی به نام **عزّي** سرپرست این

دودمان بود و نماینده پادشاه در شهر که فتحیا نام داشت که تحت نظر نحما قرار داشت (22-24). بقیه یهودیان که در قصبه‌های مجاور اورشلیم زندگی می‌کردند، در آیات 25-30 و بقیه بنیامیان که در قصبه‌های مجاور اورشلیم زندگی می‌کردند، در آیات 31-35، نام برده شده‌اند. بعضی از فرقه‌های لویان که قبلاً در یهودا زندگی می‌کردند، به قلمرو بنیامیان منتقل شدند (آیه 36).

ح) طبقه‌بندی کاهنان و لویان اورشلیم (12:1-26)

(6:1-12) اسامی کاهنانی که با زروبابل و لویانی که از تبعید باز گشته‌اند به ترتیب در آیات 1 تا 7 و 8 تا 9، ذکر شده‌اند. آیات 10 و 11 مشتمل بر اسامی کاهنان اعظم یهودا می‌باشند. در آیات 12-21 نام کاهنانی را می‌بینیم که در روزگار یهو یاقیم که پسرش الیا شیب کاهن اعظم در زمان نحما بود (1:3)، خدمت می‌کردند. بیشتر آنها احتمالاً در آن زمان زنده بوده‌اند. لویان در ایام کهنانت اعظمی الیا شیب و جانشینانش با یدوع ثبت نام شدند. افرادی که نامشان در آیات 24-26 ذکر شده قبل از اینکه نحما والی اورشلیم شود و در دروان تصدی او به عنوان والی، خدمت می‌کردند.

ط) تقدیس حصار اورشلیم (12:27-47)

(12:27-30) لویان (و مخصوصاً نوازندگان) ساکن اطراف اورشلیم، برای تقدیس حصار به اورشلیم دعوت شدند. کاهنان و لویان به طور تشریفاتی خود و مردم و حصار شهر و دروازه‌ها را تطهیر کردند.

(12:31-42) سپس نحما روسای یهودا را در روی دیوار شهر گردآورد و آنها به دو گروه بزرگ تسبیح‌خوانان تقسیم کرد. این دو گروه در جهت مخالف به دنبال نوازندگان راه افتادند در حالی که مردم در پشت سر رهبران‌شان به دنبال آنها بودند، در کنار معبد به هم پیوستند.

(12:43-46) در میان هلهة شادی قربانی‌های عظیم گذرانیده شد. همزمان عده‌ای برای نظارت و جمع‌آوری قربانی‌ها، نوبر میوه‌ها، و ده یک‌ها برای حمایت از کاهنان و لویان، آنچنانکه شریعت مقرر نموده بود، تعیین شدند. مردم با

شادی تمام مشارکت نمودند، چونکه به خاطر احیا خدمت در خانه خدا، شادمان بودند و کاهنان و لویان و ظایف خود را که ستایش و تقدیس بود انجام دادند. خوانندگان... و دربانان نیز وظیفه خود را به خوبی دوران داود و آساف انجام دادند.

47:12) در ایام زروبابل... و نحمیا مردم آنچه را که لازمه حمایت از مغزیان، دربانان، لویان و کاهنان بود، تامین می نمودند.

II- دیدار دوم نحمیا از اورشلیم و آخرین اصلاحات (فصل 13)

الف) اخراج طوبیا از معبد (9:13-1)

نحمیا پس از دوازده سال خدمت در اورشلیم در سال 433 پیش از میلاد برای مدت نامعلومی به بابل بازگشت. سپس دوباره مجوز دیدار دیگری از اورشلیم را دریافت کرد، دیداری که به منظور برخورد با سوءاستفاده هایی که از احکام خدا شده بود، صورت گرفت.

عبارت «در آن روز» (آیه اول) ممکن است اشاره به زمانی پیش از آخرین فصل این کتاب و یا اشاره به روز دیگری در طی غیبت نحمیا باشد (آیه 6). در هر دو مورد کلام برای قوم خوانده شد و قوم متوجه بخشی از کلام خدا شدند که ورود موابیان و عمونیان را به **جماعت** نهی کرده بود. این اقوام کذعانی نه تنها از دادن نان و آب به مردم خدا خودداری کرده بودند، بلکه بلعام را نیز به ضد ایشان به خدمت گرفته بودند تا آنان را **لعنت** کنند، ولی خداوند لعنت را به برکت تبدیل نموده بود. خدای ما چه عجیب و پرشکوه است! و پاسخ مردم به آنان، این بود که **تمامی گروه مخالف را از میان اسرائیل جدا کردند.**

5و4:13) قوم با اخراج بیگانگان وظیفه ای را که در 2:9 شروع نموده بودند، به انجام رسانیدند. **الیاشیب کاهن یکحجره بزرگ از خانه خدا را که قبلاً انباری به جهت انباشتن ده یک های جمع آور شده محصولات برای لویان و کاهنان بود، به طوبیای شریر داده بود تا در آن زندگی**

کند.

9:6-13) نحμία بلافاصله بعد پس از برگشت به اورشلیم طوبیا را از آنجا اخراج کرد. در طول غیبت نحμία مشکلات دیگری به وجود آمده بود که نحμία با شدت تمام به مبارزه پرداخت تا از تکرار چنان شرارت‌هایی جلوگیری کند.

ب) استقرار مجدد ده یک (عشریه) برای لویان (14-10:13)

14-10:13) نحμία سران قوم را به خاطر بروز چنان مشکلات و مسئولیت ناپذیری شان در غفلت از **لاویان** سرزنش کرد. لویانی که به علت عدم حمایت سران قوم مجبور به کار در مزارع شده بودند، جمع‌آوری شدند و افراد امینی گماشته شدند تا سهم ده یک لویان را از محصولات به آنها بدهند. نحμία به خاطر عمل نیکویی که بجا آورده بود از **خداوند** تقاضا نمود که او را به یاد آورد (آیه 14).

ج) ممنوعیت اعمال غیر مشروع در سبت (22-15:13)

نحμία برآن شد که حاکمانی را که به مردم اجازه می‌دادند در **روز سبت** کار کنند، سرزنش کند. خارجیانی که در میان مردم یهودی زندگی می‌کردند، سعی داشتند که روز سبت را به بازار روز تبدیل کنند. اما تقدس روز سبت در صوت لزوم می‌بایست با توسل به زور حفظ می‌شد. افرادی برای حفاظت از **دروازه‌ها** فرستاده شدند و **سوداگران** طماعی را که اردو زده و منتظر باز شدن دروازه‌ها در روز سبت بودند، به زور بیرون راندند و انتقال کالا در روز سبت به داخل شهر کاملاً متوقف شد. نحμία برای اینکار نیز از خدا طلب نمود که او را به یاد آورد (آیه 22).

د) ممنوعیت ازدواج با بیگانگان (31-23:13)

چندین سال پیش مردان اسرائیلی به فرمان عزرا از زنان **بیگانه** خود جدا شده بودند (عزرا فصل 10). ولی کسانی که در حضور خداوند عهد بسته بودند تا از بیگانگان جدا شوند (فصل 10)، عهد خود را شکسته بودند و ازدواج یهودیان با **زنان اشدودیان و عمونیان و موآبیان** بار دیگر حتی در جامعه کاهنان رواج یافته بود. بعضی از خطا کاران تنبیه بدنی شدند و برخی از اورشلیم اخراج

شدند. یکی از این رانده شدگان، پسر کاهن اعظم بود. کافران از شهر رانده شدند و نحمیا از خداوند تقاضا نمود که آنها را بخاطر اینکه منصب کهنانت ولایان را بی عصمت کرده بودند، مجازات کند و بار دیگر نحمیا از خدا تقاضا نمود که او را به خاطر این کارش به یاد آورد (آیه 31). در کلیسا ممنوعیتی برای ازدواج مسیحیان با غیر مسیحیان وجود ندارد، چونکه مسیحیت ایمانی است که دربرگیرنده همه انسانها و همه قومهاست، ولی قطعاً در دوران باستانی علت اصلی این محدودیت، بدون شك فساد و مذاهب دروغین قومهای غیریهودی بوده است. کامپبل به تفسیر انواع ازدواجهایی میپردازد که برای مسیحیت مخرب میباشند:

در عهد جدید بارها و بارها توصیه شده است که ایمانداران با بیایمانان ازدواج نکنند. پولس رسول به ایمانداران توصیه نمود که «فقط در خداوند» ازدواج کنند (اول قرننتیان 7:39). با این وجود امروز مانند تمام دوران و اعصار گذشته، بعضی از ایمانداران استدلال میکنند که با ازدواج، همسر بیایمان خود را به سوی خداوند هدایت میکنند، ولی تجربه نشان داده است که کودکان حاصله از چنین ازدواجی بیشتر از آنکه راه طرف ایماندار را پیروی کنند، به سوی طرف بیایمان گرایش پیدا میکنند.

نحمیا در رابطه با این وظیفه، مرد عمل بود و در این رابطه به درستی نشان داد که برای امور خدایی کاهیده میشود (ر.ک مزامیر 9:69). نحمیا با کسی تعارف نداشت. خشم او را تمام کسانی که از شریعت خدا تخطی میکردند، احساس میکردند. او اخطار میداد، اندرز میداد، سرزنش میکرد، **مخالفت می کرد، کتک می زد، مومی کشید** و به طورکلی فضا را برای خدا نشانسان تنگ می کرد. او یک مرد جسور و یک فرمانده سرسخت در خط اول جبهه نبرد بر علیه شرارت بود. او یک کارگر خستگی ناپذیر و معمار عظیم خداوند بود. با این فصل تاریخ عهد عتیق بسته میشود. کتابهای بعد از این کتاب در عهد عتیق، تواریخ دوران پیش از نحمیا میباشند (بجز ملاکی که با نحمیا معاصر بود).

چارلز اسویندول¹ تفسیر خود از کتاب نحمیا را با این عبارات به پایان می‌برد:

من فکر می‌کنم صحنه آخر کتاب نحمیا، او را در حالی به تصویر می‌کشد که زانوزده است و از خدا تقاضای فیض می‌نماید. او به سختی برای حقیقت جنگیده بود، اما دل خود را در پیشگاه خداوند نرم ساخته بود و نمونه‌ای از یک رهبری شکوهمند را نشان داده بود. او مردی امین، متعهد و از خود گذشته بود.

1- Charles Swindoll